

سبک زندگی و هویت شهروندی

برای ورود به بحث سبک زندگی ابتدا باید واژه هویت شهروندی را تعریف کرد.



برای ورود به بحث سبک زندگی ابتدا باید واژه هویت شهروندی را تعریف کرد. هویت شهروندی از بحث‌های هویت اجتماعی است که در جوامع سنتی، یعنی جوامع کشاورزی و دامداری و روستایی براساس ارزش‌ها، عقاید، هویت زبانی، فرهنگی و دینی تعریف می‌شد؛ به تعبیر محمده شایط، که در یک گه‌گاه احتمالاً، حاکم بوده و فد خدش، با آن، معاف، م‌ک‌د. در نظام صنعتی یا سرمایه داری، ثروت تبدیل به مینا شد و هویت اجتماعی رویه ای دیگر هم پیدا کرد. معیارهای قبلی کم‌رنگ و معیار اصلی آن شد که فرد در فرآیند تولید چه اندازه نقش دارد؛ یعنی همان چیزی که در جامعه شناسی از آن به نام طبقه یاد می‌کنند. این طبقه بیشتر ناظر بود به شهروند، تا این که کلانشهرها و زندگی مدرن شهری به وجود آمد.

در اینجا 2 رویکرد مقدم و موخر داشتیم؛ در اولی جایگاه فرد در نظام تولید یا طبقه معیار بود، اما بعد با تولیدات انبوه در جوامع که صاحبان تولید به دنبال بازار و تنوع در تولیداتشان بودند، پدیده مصرف و میزان آن معیار دسته بندی اجتماعی قرار گرفت: این که ما چقدر یا چگونه مصرف می‌کنیم. در اینجا دیگر سخن نه از طبقه، بلکه از سبک زندگی است. در سبک زندگی معیارهایمان متعدد می‌شود؛ معیارهایی چون میزان مصرف، نحوه گذران اوقات فراغت، میزان صرف وقت در ترافیک و نحوه مدیریت آن یا استفاده از اینترنت.

سبک زندگی امروزه معیارهای متفاوتی دارد. سبک زندگی از ابتدا براساس مطالعه فشربندی مارکس به وجود آمد. بعد و بر او اشکال گرفت که بحث طبقات کاملاً مادی و اقتصادی است. مطالعات و بر در جوامع دینی چیزی دیگر می‌گفت. و بر سه بحث ثروت، قدرت و منزلت را معیار قرار داد و نامش را گذاشت «سبک زندگی» و از سبک زندگی قشرهای مختلف سخن گفت چون سبک زندگی نظامیان، معلمان و بازاریان؛ سپس آدلر که یک روان شناس بود اصطلاح دیگری به میان آورد و گفت انسان ها در سه ساحت بینش ها، گرایش ها و رفتار به سبک های مختلف طبقه بندی می شوند؛ یعنی کسانی که به لحاظ بینشی، گرایش و رفتاری نزدیک هستند، یک گروه را تعریف می کنند که از سبک زندگی خاصی برخوردارند. برخی دیگر معیار را سطح بهداشت در نظر گرفتند. بعد در آمریکا و در رویکردی عملگرایانه آداب، رسوم و هنجارهای متنوعی که افراد در زندگی روزمره رعایت می کنند، سبک زندگی نام گرفت، سبک زندگی شهری، روستایی، اسلامی، مسیحی، غربی یا شرقی. سبک زندگی اخیراً در جامعه ما یک معنای عام تر پیدا کرده که معادل اخلاق، هم اخلاق فردی و هم اخلاق اجتماعی قرار می گیرد، چراکه رهبری در سخنانشان یکی از شاخصه های سبک زندگی را فرهنگ عمومی یا اخلاق تعریف کردند. لذا اگر شما از مسیحیت یا اسلام بعد اخلاقی را در نظر بگیرید، می شود سبک زندگی اسلامی یا مسیحی. از این منظر سبک زندگی دایره بسیار متنوعی را در بر می گیرد.

سبک زندگی و آگاهی

بالاترین سازوکار برای تنظیم تاثیر هویت شهروندی و اجتماعی بر زندگی فردی، آگاهی است. به این معنا که انسان ها به انواع سبک زندگی و نقاط ضعف و قدرت آنها آگاه بشوند و تصمیماتشان را براساس این آگاهی و شناخت اتخاذ کنند. بدون آگاهی، انسان مدام در بن بست های مختلف گرفتار می آید و تنها به فکر رهایی خود از بن بست خواهد بود. البته گاهی شرایط سیاسی و اقتصادی جامعه افراد را در این بن بست ها قرار می دهد و زندگی فرد یا اصولی که براساس آن جامعه پذیر شده بی اثر و بی رنگ می شود. برای نمونه در بحث اشتغال، فردی که در بن بست بیکاری گیر افتاده، دیگر نمی اندیشد که یک شغل با او و هویت اجتماعی او چه اندازه همخوان بوده و برایش ارضای روحی دارد. در بحث تحصیل و ازدواج هم اوضاع به این منوال است.

علاوه بر بن بست شرایطی اشاره شده، باید به تاثیر مد اجتماعی نیز در هویت شهروندی اشاره کرد. به جرات می توان گفت بیش از 70 درصد افرادی که در دانشگاه تحصیل می کنند نه براساس علاقه یا آگاهی، بلکه براساس یک مد و فضای اجتماعی شناور مشغول تحصیلند و از این رو نه انگیزه دارند، نه هدف. بنابراین گرفتار شدن در برخی بن بست ها دست خود انسان نیست. البته این نه به معنای جبر اجتماعی بلکه به معنای الزام اجتماعی است که در آن آگاهی باعث می شود افراد در موقعیت های مرزی بتوانند تصمیم گیری کنند.

اراده و گرایش در سبک زندگی

اما عامل تاثیرگذار دیگری هم افزون بر آگاهی وجود دارد و آن عامل اراده و گرایش است؛ این که بین آگاهی و تمایلات تعارض ایجاد می شود، عقل حکمی می دهد و دل کشش دیگری دارد و از این نباید غفلت کرد. بخصوص در جوان ها گرایش ها بر بینش ها غالب است. باز در اینجا نیز بحث جامعه پذیری و رسانه ها و آگاهی و بخصوص فضای مجازی بسیار می تواند تاثیرگذار باشد. این موارد می تواند باعث تزلزل سبک زندگی شده و آن را شناور بسازد. بخصوص در جوامع شهری مدرن تحت تاثیر فضای مجازی سبک زندگی در سیالیت و شناوری قرار می گیرد و آدم ها بلا تکلیفند. امروزه یک فرد در بازه زمانی عمرش دو تا سه تیپ فکری شخصیتی را تجربه می کند یا حتی بعضاً دو تا سه مذهب را تجربه می کند، اما در گذشته شاید دو سه نسل یک تیپ فکری داشتند. البته آدم هایی هم وجود دارند که تثبیت شده هستند و اینها از نظر سلامت روان و بهداشت آن آسوده

تر هستند زیرا کسی که سبک زندگی سیالی دارد، مدام در تکاپوست و به نظر واحدی نمی رسد. البته این به معنای ارزشگذاری هیچ یک از دو مورد نیست.
دکتر مجید کافی / استاد جامعه شناسی دانشگاه